



مطالعه تطبیقی ساختار نمایشی در خانه برناردا آلبا با روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت و آخرین پری کوچک دریایی

فرزانه فرشیدنیک* سیدمصطفی مختاباد امرئی**

چکیده

فدریکو گارسیا لورکا یکی از نویسندگان نام‌آشنای ادبیات اسپانیا است که نمایشنامه‌های شاعرانه‌اش بر ادبیات نمایشی جهان و آثار نویسندگان ایرانی تأثیرگذار بوده‌است. لورکا نخست، نگارش را با شعر آغاز کرد و سپس در آفرینش آثار خود، با بهره‌گیری از نثری شاعرانه، نمایش‌نامه‌های برجسته‌ای نظیر «خانه برناردا آلبا» را به رشته تحریر درآورد.

بنابر آنچه بیان شد، نگارندگان پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر لورکا بر نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی، برآن شدند تا مقاله پیش‌رو را به نگارش درآورند. پرسش اصلی آن هم به این مسأله اختصاص یافته که آثار نمایشی لورکا چگونه بر ادبیات نمایشی ایران تأثیر گذارده‌است. پرسش فرعی نیز، مربوط به دلایل تأثیر آثار لورکا بر نمایش‌های ایرانی است.

برای دستیابی به هدف یادشده، نمایش‌نامه خانه برناردا آلبا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار شناخته‌شده لورکا، با دو نمایش‌نامه ایرانی؛ «آخرین پری کوچک دریایی» نگاشته چیستا یثربی و «روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت» نگاشته محمد چرمشیر، مقایسه شدند. سپس برای فراهم‌آمدن امکان مقایسه و تطبیق، آثار مذکور از نظر ساختار نمایشی هم بررسی، تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به‌دست آمده، بیانگر آن است که نمایش‌نامه‌های مورد بررسی از لحاظ الگوی روایت، طرح، درونمایه، شخصیت و ساختار فضا از شباهت‌های قابل توجهی برخوردارند که این امر نشان‌دهنده تأثیرپذیری نمایش‌نامه‌های ایرانی از آثار لورکا است. همچنین محتوای هریک از آثار نمایشی، به‌گونه‌ای نشانگر تقابل سنت و آزادی در جریانی انقلابی است. به‌بیان دیگر وجود برخی شباهت‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی مشترک در نمایش‌نامه‌ها، می‌تواند یکی از دلایل گرایش نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی به لورکا و تأثیرپذیرفتن از آثار وی باشد.

کلیدواژگان: ساختار نمایشی، ادبیات تطبیقی، لورکا، چرمشیر، یثربی.

f.farshidnik@gmail.com

* دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

** دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

مقدمه

مبانی نظری تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای مطالعات صورت گرفته در زمینه ادبیات تحقیقی و نیز پژوهش‌های انجام شده درباره آثار لورکا نگاشته شده است. ادبیات تطبیقی که تعریف آن به صورت مختصر، مطالعه تطبیقی آثاری بر خاسته از زمینه‌های فرهنگی گوناگون است، نوعی فعالیت در حوزه نقد ادبی قلمداد می‌شود که در آن، ادبیات در مفهوم کلی‌اش مقایسه می‌گردد. به بیان دیگر درباره تلاقی ادبیات در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف پژوهش می‌شود. پیش از این درباره اهمیت ادبیات تطبیقی، مطالعات بسیاری صورت گرفته چنان که «در بررسی تطبیقی آثار، می‌توان به چگونگی تأثیر و تأثر دیدگاه‌های فکری و نقاط وحدت اندیشه بشری در زمینه‌های مختلف پی‌برد.» (نصرت‌زادگان، ۱۳۸۷: ۱۷۵). همچنین مقدادی (۱۳۸۱) در این باره بیان می‌کند که «می‌توان به وجوه مشترک تفکر انسانی راه یافت.» ضمن اینکه «با بررسی تطبیقی، تأثیر و تأثرهایی آشکار می‌شود که قیاس آنها می‌تواند در بسیاری از موارد راهگشای پژوهشگران در درک بهینه آثار ادبی نویسندگان باشد.» (زیار و شرکت‌مقدم، ۱۳۸۷: ۸۷). به عبارت دیگر، مقایسه آثار نویسندگان مختلف زمینه درک و فهم عمیق‌تر آنها را فراهم می‌سازد (کریمی‌مطهر، ۱۳۸۰: ۱۴۷). از این راه، تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط پیچیده آن در گذشته و حال و روابط تاریخی‌اش از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، مکاتب ادبی، جریان‌های فکری، موضوع‌ها و افراد بررسی می‌شود. همچنین، بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی‌برد که «چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر، همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد.» (کفافی، ۱۳۸۲: ۷). ضمن اینکه از این رهگذر، توانایی و مهارت ویژه‌ای در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد تا او بتواند «هر آنچه را اصیل بومی است از اندیشه و فرهنگ بیگانه باز شناسد.» (ندا، ۱۳۷۳: ۲۶). اواخر قرن بیستم میلادی زمینه بعضی از مطالعات تطبیقی متحول شده و «ابعاد جدیدی یافته و در نتیجه مفاهیم جدیدی ارائه گردید.» (ساجدی صبا، ۱۳۸۳: ۲۲). در این میان نکته حائز اهمیت آن است که تأثیر پذیری باید همراه با به کارگیری تجربه‌ها و دریافت‌های ذهنی نویسنده باشد تا منجر به آفرینشی تازه گردد و از این راه «نویسنده بتواند به آفرینش اثری که باب‌پسند روزگار باشد، همت‌ورزد.» (جوادی، ۱۳۸۸: ۲۳).

تبادلات ادبی همواره به شکل‌های مختلف در ادبیات جهان وجود داشته است و نمی‌توان ادبیاتی را یافت که در مداری بسته و محدود حرکت کند. ادبیات ایران نیز از این قاعده جدا نبوده آن چنان که در دوره‌های گوناگون بر ادبیات جهان تأثیرگذار بوده و یا از ادبیات سایر ملل تأثیر پذیرفته است. با توجه به آنکه تبادلات ادبی از رهگذار ترجمه امکان‌پذیر می‌گردد، مسلماً ترجمه آثار ادبی، در این میان از جایگاه مهمی برخوردار می‌شود و نویسندگان برجسته نیز، نقش مهم‌تری را در این عرصه ایفا خواهند کرد. فدریکو گارسیا لورکا^۱ از نام‌آورترین شاعران و درام‌نویسان ادبیات اسپانیا است که در عمر کوتاه خویش آثار درخشانی را برجای گذاشت. نمایش‌نامه‌های لورکا به فارسی ترجمه و برخی از آنها در ایران هم اجرا شده است. وجود برخی شباهت‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی مشترک که می‌تواند یکی از دلایل گرایش نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی به لورکا و تأثیر پذیرفتن از آثار وی باشد، انجام چنین پژوهش‌هایی را ضروری می‌سازد. از این رو در تحقیق حاضر، نمایش‌نامه خانه برناردا آلبا، اثر شناخته شده لورکا با دو نمایش‌نامه ایرانی با هدف شناخت تأثیر نمایش‌نامه‌های لورکا بر آثار برخی از نویسندگان ایرانی، بررسی تطبیقی شده است.

در همین راستا تلاش نگارندگان بر آن شد تا این تأثیر را در ساختار و محتوای دو نمایش‌نامه ایرانی، روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت و آخرین پری کوچک دریایی، بررسی و در کنار آن، علل گرایش نویسندگان ایرانی را هم به آثار لورکا ارزیابی کنند. این پژوهش، در بردارنده پرسش‌های زیر است:

- آثار نمایشی لورکا بر نمایش‌نامه‌نویسان ایران چه تأثیری داشته است.

- دلایل تأثیر آثار لورکا بر نمایش‌های ایرانی چیست. با بررسی‌های انجام شده در پاسخ به پرسش‌های بالا، فرضیه‌های زیر قابل طرح است:

برخی از نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی همچون چرمشیر و یثربی، علاوه بر ساختار در محتوا و مضمون آثار خود از نمایش‌نامه‌های لورکا تأثیر پذیرفته‌اند.

برخی از شباهت‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی مشترک، می‌تواند از عوامل گرایش نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی به لورکا و تأثیر پذیرفتن از وی باشد.

در پژوهش حاضر، نتایج تحقیقات صورت گرفته در زمینه ساختار اثر ادبی و نیز مطالعات انجام شده درباره آثار لورکا مورد استفاده قرار گرفته است. «ساختار^۲ در لغت به معنی اسکلت و استخوان بندی و در اصطلاح ادبیات به طور کلی به شیوه سازماندهی و مجموع روابط عناصر و اجزای سازنده یک اثر ادبی با یکدیگر اطلاق می‌شود.» (داد، ۱۳۷۵: ۱۶۳). کادن^۳ (۱۹۹۹) نیز در کتاب "فرهنگ اصطلاحات و نظریه‌های ادبی"، ساختار نمایش نامه را به طور خاص به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم کرده است. بنابر نظر وی «ساختار بیرونی نمایش نامه شامل پرده‌های نمایش، صحنه‌ها و وابستگی و تعادل درونی آنهاست و ساختار درونی نیز متشکل از حوادث و اعمالی است که در نمایش اتفاق می‌افتد.» (Cuddon, 1999: 871). شریف‌نسب و رون (۱۳۹۰) هم در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل ساختاری نمایش نامه‌های اکبر رادی" ضمن تعریف ساختار نمایشی، روابط بخش‌ها و عناصر تشکیل دهنده آن را با یکدیگر و کل اثر بررسی کرده‌اند (شریف‌نسب و رون، ۱۳۹۰: ۴۶). تزوتان تودوروف^۴ (۱۳۸۳) هم، در کتاب "بوطیقای ساختارگرا" به بررسی عناصر تشکیل دهنده ساختار به منزله یک نظام پرداخته و به قوانین و اصول کلی حاکم بر آنها اشاره نموده است (تودوروف، ۱۳۸۳: ۸).

بنابر آنچه بیان شد، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تعاریف ارائه شده از ساختار ادبی در پژوهش‌های پیشین، ساختار نمایشی، به معنای ارتباط موزون، منسجم و یکپارچه میان عناصر فرم و محتوا در نمایش نامه خانه برناردا آلبا با دو اثر ایرانی مقایسه شد.

تراژدی خانه برناردا آلبا، نمایش نامه‌ای از لورکا نوشته شده در سال ۱۹۳۶ میلادی است که بنابر باور بسیاری از منتقدین، بهترین اثر نمایشی لورکا و شاهکار او به‌شمار می‌رود. بیشتر مقالاتی که درباره این نمایش نامه به رشته تحریر درآمده، ریشه‌های عمیق سنت، فرهنگ و ادبیات فولکلوریک اسپانیا را در این اثر، به‌عنوان یکی از کم‌نظیرترین دستاوردهای دراماتیک قرن بیستم، بررسی کرده‌اند. مریم حق‌روستا (۱۳۸۴)، در مقاله "خانه برناردا آلبا: تقابل سنت با آزادی"، با قلمداد کردن این نمایش نامه به منزله شاخص‌ترین اثر لورکا، برای بررسی ویژگی‌های تراژیک وضعیت زنان در آن، برخی از ویژگی‌های ساختاری‌اش را ارزیابی کرده است (حق‌روستا، ۱۳۸۴: ۶).

در این پژوهش هم با در نظر گرفتن موارد بالا، ویژگی‌های ساختاری نمایش نامه خانه برناردا آلبا به لحاظ الگوی روایت، طرح، درونمایه، شخصیت و ساختار فضا، با نمایش نامه‌های

روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت و آخرین پری کوچک دریایی به ترتیب نگاشته چرمشیر و یثربی مورد مقایسه و بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. گردآوری اطلاعات آن هم با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بر مبنای بررسی متون، اسناد و مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعات علمی انجام پذیرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فیش برداری و تهیه جدول‌ها است و روش نمونه‌گیری هم، با توجه به موضوع پژوهش و در جهت فراهم آمدن امکان بررسی دقیق‌تر در راستای اثبات فرضیه‌ها، نمونه‌موردی است. بدین منظور، دو نمایش نامه شناخته شده از نویسندگان ایرانی، آخرین پری کوچک دریایی (برنده جایزه دوسالانه ادبیات نمایشی ایران) و روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت، انتخاب شده است.

برای فراهم آمدن امکان مقایسه و تطبیق، ابتدا اطلاعات مربوط به هریک از نمایش نامه‌ها از نظر الگوی روایت، شخصیت، فضا و مضامین و درونمایه طرح، درونمایه، به گونه‌ای جداگانه طبقه‌بندی و سپس برای تجزیه و تحلیل داده‌های موجود، جدول‌ها و نمودارهایی طراحی شده و الگوهای مذکور مورد مقایسه و بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

به منظور امکان سنجش اعتبار و روایی داده‌ها، سعی شده تا متغیرها و مشخصات آنها به شیوه‌ای تعریف شوند که قابل سنجش باشند. همچنین معیارهای اندازه‌گیری در جمع‌آوری اطلاعات به گونه‌ای به کار گرفته شوند که امکان ارزیابی فرضیه‌ها وجود داشته باشد. ضمن اینکه، تلاش شده تا محتوای ابزار و پرسش‌های مندرج در ابزار، دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را بسنجد که این مهم، با تعریف دقیق از اصطلاحات طراحی ابزار متناسب با مراحل مختلف فرایند پژوهش امکان‌پذیر خواهد بود. اعتبارسنجی داده‌ها هم به روش تحلیل محتوا و اسنادی صورت پذیرفته است.

بررسی دلایل تأثیرگذاری لورکا بر نویسندگان ایرانی

جامعه اسپانیا در زمان لورکا و شرایط امروز ایران، دارای برخی از شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند منجر به بروز برخی از شباهت‌ها در آثار هنرمندان این جوامع گشته و تأثیرپذیری از نویسندگانی چون لورکا را رقم‌زند. گرچه لورکا نگارش آثار خود را با شعر شروع کرد، ولی در ادامه راه خود، به نثری شاعرانه روی آورد و با بهره‌گیری از همین نثر، نمایش نامه‌های برجسته‌ای را به نگارش درآورد. «نثر

شاعرانه او در نمایش نامه خانه برناردا آلبا به اوج خود رسید. وی با نگاه واقع‌گرایانه خویش، موفق شد آثار نمایشی خویش را در ابعادی بین‌المللی مطرح کند» (حق‌روستا، ۱۳۸۴: ۱۹) و بر ادبیات جهان تأثیر گذارد. نمونه‌ای از این تأثیر را می‌توان در برخی از آثار محمد چرمشیر و چیستا یثربی مشاهده نمود که در این پژوهش هم، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این باره نشانه‌های متعددی مبنی بر نگاه چرمشیر و یثربی به آثار لورکا را می‌توان برشمرد. برای نمونه، از میان آثار موفق چرمشیر در زمینه بازنویسی شاهکارهای ادبی، می‌توان به نمایش نامه "رقص مادیان‌ها" اشاره نمود که بازنویسی نمایش نامه "یرما" اثر لورکا است. در همین بازنویسی می‌توان ردپای اثر دیگری از لورکا با عنوان "مرثیه‌ای برای ایگناسیو سانچز مخیاس" را نیز شناسایی کرد. این نمایش نامه ماندگار در تاریخ ادبیات جهان، شعری درخشان در سوگ دوستی گاو باز است که مرگی دلخراش را در میدان گاو بازی در آغوش می‌کشد.

چیستا یثربی نیز که بارها از علاقه خود به لورکا سخن گفته‌است، علاوه بر ترجمه اثری از لورکا با عنوان "رومئو پرنده است و ژولیت سنگ"، نمایش نامه‌ای به نام "سر به سر صحرا می‌گذارم، لورکا..." را نوشته و کارگردانی آن را در دست گرفته‌است. وی این نمایش نامه را ادای دینی به لورکا دانسته و در این باره بیان کرده‌است: «بر اساس علاقه‌ای که به آثار فدریکو گارسیا لورکا داشتم، این نمایش نامه را نوشتم.» (یثربی، ۱۳۹۰). این نمایش نامه دارای هفت فصل است که اولین فصل آن بانام "چشمان من در سال ۱۸۹۸" به زمان تولد وی می‌پردازد و فصل آخر نیز که "چشمان من در سال ۲۰۰۸ میلادی" نام دارد، درباره تأثیر شعر لورکا بر فرهنگ جامعه جهانی است (همان).

با وجود چنین نشانه‌هایی، می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که اندیشه و آثار لورکا بر آثار این نویسندگان تأثیر گذارده و ارتباط شکلی میان آثار این نویسندگان را رقم زده باشد. به بیان دیگر، این نکته‌ها می‌توانند احتمال ارتباط میان آثار آنها و تأثیر پذیری از لورکا را قوت بخشند.

خلاصه نمایش نامه‌ها

در این بخش از مقاله، خلاصه‌ای از نمایش نامه‌های یادشده با توجه به مهم‌ترین وقایعی که در سه نمایش نامه از شباهتی نسبی برخوردار است، ارائه گشته تا زمینه ورود به مباحث بعدی فراهم آید.

خانه برناردا آلبا

نمایش نامه خانه برناردار آلبا، درباره زنی شصت ساله است که شوهرش به تازگی فوت کرده و پنج دخترش، از بیست

ساله تا سی و نه ساله، مجرد و خانه‌نشین هستند. برناردا، زنی مستبد است که پنج دختر خود را در خانه نگه می‌دارد و آنها امکان هیچ گونه ارتباط با مردان را ندارند. در این خانه، طبق آداب و رسوم که برناردا سخت‌گیرانه سعی در حفظ آنها دارد، دختران همراه مادر بایستی هشت سال در سوگ بنشینند هر چند این سنن، با امیال و غرایز دختران سازگار نیست. هریک از این دختران به صورت ناموقی در تلاش یافتن راهی برای پاسخ به احساسات خود هستند. به تدریج و در جریان پیشرفت داستان، از پسری به نام پپه‌ال رومانو و ازدواج دختر بزرگ برناردا (آنگوستیاس) با وی، سخن به میان می‌آید. پپه، پسری جذاب و جوان است که در طول داستان آشکار و در واقع مجذوب آدلا دختر کوچک برناردا می‌شود. از طرفی، مارتیریو یکی دیگر از دختران برناردا به پپه علاقمند است و به آدلا حسادت می‌ورزد. حسادت به وجود آمده میان خواهران، تنش‌های بسیاری را طی نمایش نامه پدید می‌آورد و لحظه به لحظه بر شدت آن می‌افزاید. خدمتکار برناردا، پون چاو، درباره شرایط پیش آمده به برناردا هشدار می‌دهد که از طرف برناردا نادیده گرفته می‌شود. آدلا، کوچک‌ترین دختر برناردا که سرکش‌ترین آنهاست، در عصیان علیه قوانین سخت‌گیرانه مادر و سنت جامعه‌ای که در آن به سر می‌برد، شب‌ها پنهانی به ملاقات پپه می‌رود. در یکی از این شب‌ها، با مشاجراتی که میان او و خواهرش مارتیریو صورت می‌گیرد، اهل خانه متوجه ماجرا می‌شوند. مادر به قصد کشتن پپه با تفنگ بیرون می‌آید و صدای شلیکی به گوش می‌رسد و آدلا که گمان می‌کند پپه کشته شده، دست به خودکشی می‌زند. برناردا با تحکم، دختران را به سکوت فراخوانده و با انکار شرایط پیش آمده، از ادامه سوگواری خبر می‌دهد و نمایش نامه با جمله زیر به پایان می‌رسد: «...ساکت! همه، خودمونو تو دریای اشک و غم غرق می‌کنیم... آدلا، کوچک‌ترین دختر برناردا آلبا باکره مرده. شنیدین که چی گفتم؟ ساکت! گفتم ساکت!» (لورکا، ۱۳۸۵: ۳۱۸)

روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت

در این نمایش نامه، آنچه به ظاهر مدنظر محمد چرمشیر است، بریده‌ای از داستان دیدار رستم و ته‌مین در شاهنامه است که البته این دیدار با تفسیری متفاوت به نمایش درآمده است. بخش عمده ماجرا هم در سمنگان دژ اتفاق می‌افتد. «شهر زنان. شهری که در واقع زن‌ها حافظش هستند و مردها وقتی پا به آنجا می‌گذارند نه به عنوان کاراکتر واقعی خودشان که به عنوان یک عنصر مرد و ادامه دهنده حیات آن شهر، کسی که می‌تواند تولید مثل کند، شناخته می‌شوند.» (چرمشیر، ۱۳۸۸: ۷۵). فرمانروای دژ، شهربانو، زنی است مقتدر که مصرانه در پی حفظ

سرشار از حس انتقام‌جویی نسبت به مردان است و سعی دارد دختران شبانه‌روزی را به گونه‌ای تربیت کند که به مردان بی‌تفاوت باشند. برای همین، میکائیل را که پسر ابراهیم است برای انتقام‌جویی در شبانه‌روزی استخدام کرده است تا طعمه دختران گردد. نزاعی نیز میان حوا و میکائیل درمی‌گیرد. در این میان یاسمین، یکی از زنان شبانه‌روزی، در پی عشقی ناکام به میکائیل، به همان بیماری مبتلا شده و اقدام به خودکشی می‌کند. در حضور بازرس پلیس که به منظور تحقیق درباره خودکشی یاسمین به شبانه‌روزی آمده، کیارا با همراهی میکائیل به حالت طغیان علیه مادرش، با کمک شاگردانش نمایشی ترتیب می‌دهد که طی آن دختران به ترتیب به علت بیماری خود که هر یک به گونه‌ای نمادین نشانگر حصر و محدودیت‌های اجتماعی زنان است، اشاره می‌نمایند. حوا پس از دیدن این وضعیت، اقدام به خودکشی می‌کند. کیارا نیز، همراه میکائیل و سارا، دختر یاسمین، شبانه‌روزی را به قصد آغاز یک زندگی تازه ترک می‌کنند.

بررسی و مقایسه تطبیقی آثار

در این بخش، برای مشخص نمودن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، آثار یادشده از جهت الگوی روایتگری، فضا، شخصیت‌پردازی، درونمایه و زبان بررسی و مقایسه تطبیقی شده‌اند.

بررسی الگوی روایتگری

برای فراهم آمدن امکان مقایسه الگوی روایتگری، نخست رویدادهای مهم هر سه نمایش‌نامه، دسته‌بندی شده و سپس توالی تنظیم‌شده آنها، مورد مقایسه قرار گرفته است.

خانه برناردا آلبا

۱. روی دادن تمام ماجرای نمایش‌نامه در خانه برناردا آلبا؛ بیوه‌ای که طبق آداب و رسوم سنتی سعی در حکمرانی بر دخترانش دارد و به شدت مانع ارتباط دخترانش با مردان است. خانه‌ای که در آن دختران با نوعی زندگی خفقان‌آور دست و پنجه نرم می‌کنند.
۲. حضور پسری جوان و جذاب به نام پپه‌ال رومانو به قصد ازدواج با آنگوستیاس دختر بزرگ برناردا.
۳. علاقمند شدن آدلا، دختر کوچک برناردا و مارتیریو (دیگر دختر برناردا) به پپه.
۴. برهم خوردن نظم و آرامش ظاهری اولیه با بیرون رفتن آدلا از خانه، دزدیده شدن عکس پپه توسط مارتیریو و شکل‌گیری حسادت و تنش میان خواهران.
۵. هشدار پون‌چاو به برناردا درباره خطری که در پیش است که از سوی برناردا نادیده گرفته می‌شود.

آئین دژ (آئین مردکشی) است. «زنی که کاملاً اقتدار یک ماشین جنگی را دارد، به هیچ چیز فکرنمی‌کند جز حضور و سقوط شهر» (همان: ۷۶). زن جادو، خواهر شهربانو، آمدن پهلوانی را پیش‌گویی می‌کند. «مردی قرار است به آن شهر بیاید که بهترین باشد و نسل زنان داخل دژ را احیا کند» (همان). رستم همراه رخش وارد دژ می‌شود. شور و هیجانی میان زنان دژ، در تمایل به ازدواج با این پهلوان شکل می‌گیرد به گونه‌ای که به شوق دیدن او در سرونشتمان، برای شنیدن پیشگویی، به دیدار زن جادو (خارج از دژ) می‌روند. «همه می‌خواهند بدانند در تقدیرشان خطی هست از این نره‌سوار. همه‌شان می‌خواهند تاس‌ها همان‌طور بنشینند که خواهان آنند. چشم‌ترسی دارند از شهربانو و رؤیاهایی دارند در دل.» (همان: ۵۱). زن جادو، خواهر شهربانو، درباره اوضاع پیش‌رو و نیاز زنان دژ به عشق، هشدار می‌دهد که شهربانو نادیده می‌گیرد. شهربانو که در جوانی به دلیل آئین دژ، مجبور به ترک مرد محبوبش گشته، سرشار از حس کینه و انتقام‌جویی نسبت به مردان و نیز خواهرش است که آن مرد را تصاحب کرده است. تهمینه، دختر شهربانو، دل به رستم می‌بندد و با وجود هشدارهای خاله‌اش (زن جادو)، تصمیم دارد علیه آئین دژ، سر به عصیان بردارد. از همین‌رو، با رستم پیمان زناشویی می‌بندد. شهربانو که در تحریک رخش در کشتن رستم ناموفق بوده، خود برای کشتن رستم اقدام می‌کند و نهایتاً به دست رخش کشته و رخش نیز به دست رستم کشته می‌شود. تهمینه، اندوهگین از این کشتار، از شروع روزگاری تازه در دژ خبر می‌دهد. «بگشایید دروازه‌های این سمندگان دژ را و بگذارید آئینی تازه آغاز شود. باشد که روزگاری نو آغاز شود.» (همان: ۷۸).

آخرین پری کوچک دریایی

ماجرا در یک شبانه‌روزی دخترانه اتفاق می‌افتد. مدیر شبانه‌روزی، حوا، زنی مقتدر با قوانینی سخت‌گیرانه است که به حفظ آبروی شبانه‌روزی و قوانین آن، بیش از سلامت دختران که به بیماری ناشناخته‌ای دچار شده‌اند، اهمیت می‌دهد. در این میان تنها معلم مرد شبانه‌روزی، میکائیل که مردی جوان و جذاب است و به نوعی همه دختران و زنان شبانه‌روزی را تحت تأثیر قرار داده است، درباره بیماری دختران، در مظان اتهام قرار می‌گیرد. کشمکش و نزاع‌هایی میان خدمتکاران شبانه‌روزی و نیز میان دختران، بر سرعلاقه به میکائیل درمی‌گیرد. تارا (معلم اخلاق) خبرها را به گوش حوا می‌رساند و کیارا دختر حوا، در مورد اوضاع وخیم دختران و شبانه‌روزی به مادرش هشدار می‌دهد که با بی‌تفاوتی او روبه‌رو می‌شود. حوا که در جوانی، با بی‌مهری مرد محبوبش (ابراهیم) مواجه شده،

۶. دیدارهای پنهانی آدلا با پپه، با وجود توصیه‌های پون چاو و تهدیدهای مارتیریو و نادیده گرفتن مقررات مادرش.
۷. آگاهی برناردا از ماجرا و تصمیم به کشتن پپه.
۸. خودکشی آدلا، انکار رابطه آدلا با پپه از سوی برناردا و ادامه مراسم سوگواری (سنت پیشین).

روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت

۱. شکل‌گیری قسمت عمده ماجرا در سمنگان دژ، شهر زنان که در آن شهربانو، فرمانروای دژ با وجود نارضایتی زنان، مصرانه در پی حفظ آئین دژ (آیین مردکشی) است.
۲. ورود رستم همراه رخس به دژ.
۳. علاقمند شدن زنان دژ از جمله تهمنه، دختر شهربانو به رستم.
۴. برهم خوردن نظم اولیه با خروج زنان از دژ و رفتن به سراغ زن جادو به شوق دیدن نشان رستم در تقدیرشان.
۵. هشدار زن جادو به شهربانو درباره اوضاع پیش‌آمده و نادیده گرفتن شهربانو.
۶. دل‌بستگی تهمنه به رستم که با وجود هشدارهای زن جادو و برخلاف میل مادرش با وی، پیمان زناشویی می‌بندد.
۷. تلاش شهربانو ابتدا در تحریک رخس در کشتن رستم و سپس اقدام خودش در کشتن رستم.
۸. کشته شدن شهربانو به دست رخس و فرمان تهمنه به گشودن درهای دژ و شروع روزگاری تازه در دژ.

آخرین پری کوچک دریایی

۱. روایت ماجرا در یک شبانه‌روزی دخترانه که مدیر آن حوا، با قوانینی سخت‌گیرانه هرگونه ارتباط دختران با مردان را به شدت منع می‌کند و به حفظ قوانین شبانه‌روزی بیش از سلامت دختران که به بیماری خاصی دچار شده‌اند، اهمیت می‌دهد.
۲. حضور میکائیل به عنوان تنها معلم مرد در شبانه‌روزی.
۳. علاقمندی دختران و برخی از مستخدمان شبانه‌روزی به میکائیل.
۴. برهم خوردن نظم اولیه که با خروج دختران از شبانه‌روزی آغاز شده و با کشمکش و نزاع میان دختران و نیز خدمتکاران شبانه‌روزی بر سرعلاقه به میکائیل ادامه می‌یابد.
۵. هشدار کیارا و تارا درباره وضعیت وخیم دختران و شبانه‌روزی و نادیده گرفتن حوا.
۶. آشکار شدن این موضوع که حوا میکائیل را به قصد انتقام جویی در شبانه‌روزی استخدام کرده است و درگیری شدید میان میکائیل و حوا.

۷. علاقمندی کیارا به میکائیل برخلاف میل مادرش و طغیان کیارا علیه مادرش در همراهی با میکائیل (در حضور بازرس) با ترتیب دادن نمایش.
۸. خودکشی حوا و خروج کیارا همراه میکائیل و سارا، دختر یاسمین، از شبانه‌روزی به قصد آغاز یک زندگی تازه.

مقایسه الگوی روایت

- A: نظم سنتی اولیه؛ وضعیتی ایستا در فضایی زنانه که زنی مستبد آن را اداره می‌کند.
- B: ورود یک قهرمان مرد به فضای زنانه.
- C: شکل‌گیری علاقه و ارتباط میان زنان مختلف با قهرمان مرد.
- D: به چالش کشیده شدن نظم اولیه با شکسته شدن قوانین خروج زنان از فضای محصور و یا شکل‌گیری ستیز و حسادت میان زنان در رقابت بر سر تصاحب مرد.
- E: هشدار از سوی یکی از نزدیکان و پیش‌بینی طوفان و نادیده گرفته شدن از طرف زن مسئول.
- F: شورش دختر علیه مادر.
- G: نبرد میان عامل حفظ سنت (زن مقتدر) و عامل برهم خوردن نظم (قهرمان مرد).
- H: حذف عامل شورش؛ خودکشی دختر شورشی و فرار قهرمان مرد و ادامه نظم سنتی.
- I: حذف عامل سلطه؛ خودکشی حوا و کشته شدن شهربانو و ایجاد طرحی نو.

در ادامه، الگوی روایت در نمایش‌نامه‌های مورد بررسی بر مبنای زیر مورد مقایسه قرار گرفت.

چنان‌که مشاهده می‌شود، الگوی روایتگری در هر سه نمایش‌نامه از شباهت بسیاری برخوردار است و تفاوت عمده دو نمایش‌نامه ایرانی، در چگونگی پایان پذیرفتن نمایش‌نامه است.

مقایسه فضا

فضا، یکی از عناصر اساسی در ادبیات است که به روش‌های مختلفی تعریف شده است. طبق تعاریف انجام‌شده در این زمینه، محورهای زمانی و مکانی از اجزای اصلی متون ادبی به‌شمار می‌روند (حق‌روستا، ۱۳۸۴). در هر سه اثر نمایش، در فضایی محصور روایت می‌شود که نقش عمده‌ای را در القای روحیه خفقان بر عهده دارد. فضای اولیه، فضایی ایزوله است که زنان را احاطه کرده و توسط یک زن اداره می‌شود. چالش عمده در هر سه نمایش‌نامه، از زمان برهم خوردن این تفکیک و نفوذ مردان به مکان محصور زنانه آغاز می‌شود. در تصویرهای ۱-۳، دیاگرام فضا در این سه نمایش‌نامه مقایسه شده است.

نمایش نامه خانه برناردا آلبا

H ← G ← F ← E ← D ← C ← B ← A

نمایش نامه روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت

I ← G ← F ← E ← D ← C ← B ← A

نمایش نامه آخرین پری کوچک دریایی

I ← F ← G ← E ← D ← C ← B ← A

اساساً شخصیت مرد حضوری ملموس ندارد و تنها از او سخن به میان می‌آید. با این همه، شخصیت‌های اصلی هر سه نمایش نامه با هم قابل مقایسه‌اند که در جدول ۱، این شخصیت‌ها بایکدیگر بررسی و مقایسه شده‌اند.

مقایسه مضامین و درونمایه

نکته حائز اهمیت در این آثار، نگاه نویسندگان به وضعیت زنان در جوامع سنتی است. حصر زنان با سنت‌های اجتماعی سخت‌گیرانه مضمون اصلی این آثار را تشکیل می‌دهد. در هر سه نمایش نامه، از ابتدا بر مفهومی مشترک تأکید می‌شود که در نمایش نامه لورکا از آن با عنوان سنت یاد شده و در نمایش نامه‌های چرمشیر و یثربی از آن با عنوان آئین و

در هر سه نمایش نامه، دیگرام فضا به لحاظ تفکیک جنسیتی برهم منطبق است. این امر ریشه در درونمایه آثار داشته و نقش مهمی در ارائه آن دارد و متناسب با آن نیز، انتخاب شده‌است. در تفاوت عمده این آثار می‌توان به این نکته اشاره نمود که در خانه برناردا آلبا، باینکه فضایی سرشار از مرد احساس می‌شود اما هیچ مردی تا به آخر نمایش روی صحنه حضور نمی‌یابد. لیکن در دو اثر ایرانی فضا، با ورود شخصیت مرد، دستخوش تشنج می‌گردد.

مقایسه شخصیت‌ها

در هر سه اثر، شخصیت‌های زن از حضور گسترده‌تر و فعال‌تری نسبت به مردان برخوردار است. در اثر لورکا



تصویر ۲. دیگرام فضا در خانه برناردا آلبا (حق روستا، ۱۳۸۷). جنسیت در هر سه نمایش نامه (نگارندگان).
تصویر ۳. دیگرام فضای اولیه براساس برناردا آلبا (حق روستا، ۱۳۸۷).

تصویر ۱. دیگرام فضا در روایت عاشقانه... و آخرین پری کوچک دریایی (نگارندگان)

جدول ۱- بررسی و مقایسه شخصیت‌ها

| روایت عاشقانه‌ای از مرگ ... | آخرین پری کوچک دریایی | خانه برناردا آلبا | |
|-----------------------------|-------------------------------|----------------------------|--|
| شهربانو | حوا | برناردا آلبا | زنی مستبد در رأس قدرت |
| زنان سمنگان دژ | دختران و خدمتکاران شبانه‌روزی | دختران و خدمتکاران برناردا | زنان تحت سلطه |
| زن جادو | تارا-کیارا | پون چاو | شخصیت مراقب و هشداردهنده |
| رستم | میکائیل | پپهال رومانو | مردی جوان و جذاب که از بیرون وارد شده و تمامی زنان تحت سلطه را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. |
| تهمین | کیارا | آدلا | دختری که علیه مادر طغیان می‌کند. |

(نگارندگان)

قانون نام‌برده شده‌است. همچنین، نشان دادن تقابل سنت و تجدد که از مهم‌ترین چالش‌های جوامع سنتی است، در هر سه اثر به چشم می‌خورد. تأکید بر نقش زنان در حفظ و بازتولید سنت در جوامع سنتی از دیگر مضامین قابل توجه در هر سه اثر است. نکته درخور توجه در این آثار، علاوه بر شباهت مضامین، برگرفتن روشی مشابه و نمادهایی مشترک برای ارائه مفاهیم است که در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- نشان دادن حصر زنان در جوامع سنتی با سنت‌های اجتماعی سخت‌گیرانه همراه نماد فضای زنانه ایزوله: خانه‌ای با در و پنجره‌های بسته، شبانه‌روزی و دژ.
- تأکید بر نقش زنان در حفظ و بازتولید سنت در جوامع سنتی از طریق نماد زن سلطه‌گر: برناردا، حوا و شهربانو.
- نمایش مفهوم تقابل سنت و تجدد به صورت نمادین با شورش دختر علیه مادر.
- محدودیت شدید رابطه جنسی برای زنان با نشان دادن تجرد زنان.

تفاوت عمده در بررسی درونمایه این آثار، چنان که در بررسی الگوی ساختاری نیز بیان شد، در نحوه پایان‌یافتن نمایش‌نامه نهفته است که نشان‌دهنده نگاه متفاوت نویسندگان امروز ایران نسبت به وضعیت زنان و جامعه در مقایسه با نگاه لورکا است. در اثر لورکا، حذف عامل شورش، خودکشی دختر شورشی و فرار قهرمان مرد، از ادامه نظم سنتی و ناتوانی انسان از تغییر شرایط خبر می‌دهد. در جدول ۲، این موارد مقایسه و بررسی نشان داده شده‌است. اساساً بیشتر قهرمانان درام‌های لورکا، بار آئین و رسومی

خانوادگی و بار سنن ستمگر و سخت‌گیر شرافتی را بردوش می‌کشند که امروز دیگر به‌هیچ‌روی قابل درک و فهم نیست. بی‌هیچ تردیدی، بازیگران در برابر این چنین سرنوشت ستمگری سر به عصیان برمی‌دارند. بااینکه در لحظه عصیان نیز نیک‌می‌دانند که از گردن‌کشی خویش جز این که دریابند از به‌زانو درآوردن تقدیر ناتوان‌اند، سودی نمی‌برند با این حال، عصیان می‌کنند، عصیانی بی‌ثمر. گردن‌می‌کشند، بی‌هیچ اعتقاد و ایمانی.

اما در آثار چرمشیر و یثربی، حذف عامل سلطه، خودکشی حوا و کشته‌شدن شهربانو، و ایجاد طرحی نو از امکان تغییر شرایط زنان و جامعه خبر می‌دهد. از این لحاظ درونمایه این آثار، با این دیدگاه درخور ملاحظه‌ای دیگر است. در این سه اثر همین مفهوم تقابل سنت و تجدد، با رویارویی دختر در برابر مادر قابل مشاهده‌است که در اثر لورکا، با خودکشی دختر و اعلام ادامه روال سنتی، از سوی مادر می‌توان صورتی دیگر از ارائه همان باور را مشاهده نمود. در صورتی که در آثار چرمشیر و یثربی، کشته‌شدن یا خودکشی مادر (شهربانو و حوا) به‌عنوان نماد سنت و اعلام آغاز روزگاری نو از سوی دختر (تهمینه و کیارا) ضمن نشان دادن امید نویسندگان به رهایی زنان از قید سنت، گونه‌ای نوآوری در مضمون به‌شمار می‌آید. همین مسأله، تفاوت در چگونگی پایان نمایش‌نامه، یکی از عوامل مهمی است که زمینه‌ساز تفاوت ژانر در این سه نمایش‌نامه است. به‌گونه‌ای که خودکشی آدلا که نمادی از ادامه روال سنتی و شکست انقلاب محسوب می‌شود، پایانی تراژیک را برای اثر لورکا رقم می‌زند در حالی که، دو نمایش‌نامه ایرانی از پایانی امیدبخش برخوردارند.

جدول ۲. مقایسه مضامین مشترک و روش ارائه آنها

| آخرین پری کوچک دریایی | روایت عاشقانه‌ای از مرگ... | خانه برناردا آلبا | روش ارائه | |
|-----------------------|----------------------------|--------------------------------|---|--------------------------|
| شبانه‌روزی دخترانه | دژی بی‌روزن | خانه‌ای با در و پنجره‌های بسته | آفرینش فضایی ایزوله که زنان آن را احاطه و اداره می‌کنند | حصر زنان در جوامع سنتی |
| مدیر: حوا | فرمانروا: شهربانو | مادر: برناردا | آفرینش شخصیت زنی سلطه‌گر و در رأس قدرت | نقش زنان در بازتولید سنت |
| کیارا در برابر حوا | تهمینه در برابر شهربانو | آدلا در برابر برناردا | طغیان دختر علیه مادر | تقابل سنت و تجدد |

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که دو نمایش‌نامه ایرانی مورد بررسی، در الگوی روایتگری، مکان، شخصیت‌ها و درونمایه، از شباهت‌های بسیاری با اثر لورکا برخوردارند. تفاوت اصلی در این سه اثر، نحوه خاتمه‌یافتن نمایش‌نامه است. به‌گونه‌ای که اثر لورکا از پایانی تراژیک برخوردار است حال آنکه دو اثر ایرانی، پایانی امیدبخش دارند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که دو اثر ایرانی به‌لحاظ صورت و ساختار شباهت‌های بسیاری با اثر لورکا دارند که این امر می‌تواند نشانگر تأثیرپذیرفتن نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی از اثر لورکا باشد. همچنین، محتوای آثار بالا هر یک به‌گونه‌ای نشانگر تقابل سنت و تجدد در قالب شورش دختر علیه مادر است که می‌تواند برگرفته از شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در جوامع سنتی همچون جامعه اسپانیا در زمان لورکا و شرایط امروز ایران باشد. چنانکه تفاوت در چگونگی خاتمه داستان در این آثار نیز می‌تواند بیانگر تفاوت‌های موجود در شرایط زمانی و مکانی میان این دو بستر فرهنگی باشد.

پی‌نوشت

- 1- Federico García Lorca
- 2- Structure
- 3- Cuddon
- 4- Tzvetan Todorov

منابع و مأخذ

- آشفته، رضا. (۱۳۹۰). <http://www.tvhd.persianblog.ir>. بازیابی‌شده در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۰.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۸۳). *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.
- جوادی، محمدحسین. (۱۳۸۸). تحلیل تطبیقی فکنوس و آلباتروس دو شعر از نیما و بودلر، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید (۱)، ۳۰-۱۷.
- چرمشیر، محمد. (۱۳۸۸). *روایت عاشقانه‌ای از مرگ در ماه اردیبهشت*، چاپ اول، تهران: نشرنی.
- حق‌روستا، مریم. (۱۳۸۴). خانه برناردا آلبا: تقابل سنت با آزادی، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، (۲۵)، ۲۰-۵.
- داد، سیما. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- زیار، محمد و شرکت‌مقدم، صدیقه. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی خواهرم و عنکبوت جلال آل‌احمد با طاعون و بیگانه آلبرکامو، ادبیات تطبیقی، (۹)، ۱۰۱-۸۷.
- ساجدی صبا، طهمورث. (۱۳۸۴). از ادبیات تطبیقی، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، (۱۷)، ۲۸-۲۱.
- شریف‌نسب، مریم و رون، مهسا. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری نمایش‌نامه‌های اکبر رادی (دهه‌های چهل و پنجاه)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، (۴)، ۶۴-۴۱.
- صادقی، عطا. (۱۳۸۹). <http://www.yekpanjare.com> بازیابی‌شده در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۰.
- کریمی‌مطهر، جان‌الله. (۱۳۸۰). تأثیر آنتوان چخوف بر ادبیات معاصر ایران، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، (۱۱)، ۱۵۵-۱۴۷.
- کفافی، عبدالسلام. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- لورکا، فدریکو گارسیا. (۱۳۸۵). *سه نمایش‌نامه عروسی خون، برما، خانه برناردا آلبا*، ترجمه احمد شاملو، تهران: چشمه.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۸۱). ادبیات تطبیقی و نقش آن در گفتگوی تمدن‌ها، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، (۱۳)، ۱۴۹-۱۲۹.
- ندا، طه. (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی*، ترجمه هادی نظری‌منظم، تهران: نشر نی.
- نصرت‌زادگان، نسترن. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی آثار صمد بهرنگی و شل سیلورستاین، فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات تطبیقی، (۶)، ۲۰۰-۱۷۵.
- یثربی، چیستا. (۱۳۸۵). *آخرین پری کوچک دریایی*، چاپ اول، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۹۰). <http://www.tvhd.persianblog.ir> بازیابی‌شده در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۹۰.
- _____ (۱۳۹۰). <http://www.artguilan.ir> بازیابی‌شده در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۰.
- Cuddon, J.A. (1999). *A Dictionary of literary Terms & Literary Theory*, London: Penguin.

Received: 2012/07/11

Accepted: 2012/11/28



A Comparative Study of Dramatic Structure in “Bernarda Alba’ s House” and Two Iranian Plays “Death in Ordibehesht” and “Last Mermaid”

Farzane Farshid Nik*, Mostafa Mokhtabad**

Abstract

Spanish dramatist, Federico Garcia Lorca, is famous not only for his amorous plays but also for his impacts on later playwrights, in particular Iranian writers. Lorca initiated his works with writing poems; however, some years later he created his masterpiece “Bernarda Alba’ s House” using poetic prose. Accordingly, this research has concentrated on Lorca’s impact on Iranian dramatists and tries to answer the main question how Lorca’s drama affected Iranian dramatic literature while discussing the reasons of such effects.

To obtain this goal, “Bernarda Alba’ s house” will be compared with two Iranian amorous plays: “Death in Ordibehesht” written by Mohammad Charmshir and “Last Mermaid” written by Chista Yasrebi. These plays are compared and analyzed with regard to dramatic structure.

Accordingly, research findings, based on analytic-descriptive method and library sources, show that all mentioned cases in this research are rather similar in various aspects such as narrative model, plot, theme, character and setting structure which all represent the fact that the two mentioned Iranian plays were affected by Lorca’s play. All cases also depict an opposition between convention and freedom through some revolutionary circumstances; that is, if Lorca’s play is accepted by Iranian dramatists, it is largely due to the cultural and social resemblances existing between these plays.

Keywords: Lorca, Charmshir, Yasrebi, Bernarda Alba's House

*PhD Candidate, School of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

**Associate Professor, School of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran